نگاه

آیت‌الله طاهری؛ مجاهد دانشمند

مصطفی ایزدی
فعال سیاسی

● تاکید برگردهمایی گاهبه‌گاه اهالی قبله، در نقاط گوناگون و زمان‌های خاص، اهمیت دو نکته را در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی بازگو می‌کند. یکی، باهم بودن و دست‌دردست یکدیگرداشتن مسلمانان و دیگر، تشریک مساعی آنان در حل و فصل گرفتاری‌های همدیگر، که لازمه آن، دانستن و آگاهی داشتن از حال‌واحوال همگی‌شان است. گردهمایی روزانه در مساجد برای اقامه نماز جماعت، گردهمایی هفتگی در مصلاها برای برپایی نمازجمعه، گردهمایی بزرگ سالانه در مکه برای گزاردن حج خانه خدا و نیز گردهمایی‌های اعیاد فطر و قربان برای برپایی نماز عیدین، مشهورترین این باهم بودن و تشریک مساعی شکوهمند و سازنده است. در این میان نمازجمعه دارای اهمیت ویژه‌ای است تا حدی که بعضی از علمای بنام و مراجع عظام، حضور در مراسم اقامه نماز جمعه را واجب کرده و هرمسلمان مرد مقیم در موطن خود را ملزم کرده‌اند که در نمازجمعه شرکت کنند. نمازجمعه را با شرایطی که برای واقعی برگزارشدن آن در نظر گرفته‌اند، می‌توان یک مراسم عبادی سیاسی تلقی کرد و آن را از ضروریات یک جامعه درست با معیارهای اسلامی دانست. از آنجا که قریب به اتفاق علمای شیعه، نمازجمعه را جایگزین نماز ظهر می‌دانند و نیز گفت‌وگوی دوجانبه با خدا و مردم تلقی می‌شود، آن را مراسمی عبادی می‌خوانیم و به‌دلیل اینکه خطیب جمعه، در خطبه‌های دوگانه آن، مسایل و مصایب مسلمین را به آگاهی مخاطبان خود می‌رساند، آن را مراسمی سیاسی می‌پنداریم. از طرفی، وجوب قطعی یا وجوب تخییری آن، صرفا برای کسانی است که می‌توانند در دوران جنگ احتمالی بین مسلمین و دشمنان اسلام، در میدان نبرد حضور یابند. بر حسب آنچه در کتب احکام شرعی آمده، بر زنان شرکت در نمازجمعه واجب نیست، چرا که بر زنان، حضور در میادین جنگ و جهاد واجب نیست. بر پیران سالخورده، نابینایان و بیماران، مسافران و کسانی که بیش از دو فرسخ از محل برپایی نمازجمعه زندگی می‌کنند، واجب نیست که در نمازجمعه شرکت کنند. اگرچه حضور این افراد، علاوه بر اینکه مستحب است، بر شکوه و عظمت آن می‌افزاید. در میان علمای شیعه، عده‌ای برگزاری نمازجمعه و حضور در آن را واجب می‌دانند. جمعی از آنان که اکثریت را تشکیل می‌دهند، درباره ضرورت برپایی نمازجمعه سکوت کرده‌اند، اما در صورت برپایی آن، شرکت مردم را در تجمع بزرگ نمازجمعه، واجب تخییری می‌دانند، جمع اندکی نیز حضور در نمازجمعه را واجب می‌دانند. اما منظور آنان، شرکت در هر نمازجمعه‌ای نیست و مشخصا نمازجمعه‌ای منظورشان هست که امام آن از شرایط لازم برخوردار باشد. این نگاه به نمازجمعه و امامت آن، اولا: مسوولیت شرکت در نمازجمعه را حساس می‌کند، یعنی اگر امام جمعه‌ای فردی مخلص، شجاع و صریح نباشد و نتواند در مقابله با قدرتمندان و قدرت‌طلبان برای حفاظت از حقوق مسلمین، برخورد شجاعانه داشته باشد و یا مصالح اسلام و مسلمین را بر منافع گروهی و باندی ترجیح دهد، نمی‌تواند امامت جمعه بلاد اسلامی را عهده‌دار باشد و اگر فردی بدون توجه به این مسوولیت‌های مهم، امامت جمعه را پذیرفت، ضرورت شرکت در چنین نمازی زیر سوال می‌رود. ثانیا: متاسفانه در جهان اسلام، چه بسا نمازجمعه با جمعیت‌های انبوه تشکیل می‌شود که امام جمعه آنها از بیان حقایق مسلم و شرایطی که امت اسلامی در آن به سر می‌برد، خود را معاف می‌کند. در واقع برخی نمازجمعه‌های امروزی در جهان اسلام با بسیاری از ویژگی‌هایی که در آموزه‌های اسلامی به آن توجه شده، فاصله دارد. به ویژه در کشورهای عربی، امام‌جمعه، خطبه‌های کوتاهی با محتوای یک‌سری نصیحت‌های کلی، قرائت می‌کند و پی‌کارش می‌رود. در اصفهان از دوران گذشته تا پیروزی انقلاب همچون تهران، امام‌جمعه‌ای غیرانقلابی و بی‌خاصیت، اقامه جمعه می‌کرد که افرادی اندک در آن شرکت می‌کردند. اما پس از آنکه آیت‌الله طاهری، نمازجمعه واقعی را در اصفهان تشکیل داد، فضای اجتماعی -سیاسی این شهر را تحت تاثیر خود، دگرگون کرد، به گونه‌ای که آثار آن تا ده‌ها سال، اصفهان را به جوش‌وخروش وا می‌داشت. اهمیت نمازجمعه به اضافه شخصیت والای آیت‌الله طاهری و محتوای خطبه‌های آن، مردم متدین و انقلابی اصفهان را متوجه مسجد حسین‌آباد کرد و این توجه به مرور محله زادگاه آیت‌الله را به عنوان قلب تپنده نهضت امام‌خمینی در اصفهان، آشنای خاص و عام در منطقه و گسترده‌تر از آن، در تهران و مشهد و شیراز و تبریز و قم کرد. در پی آن، نام سیدجلال‌الدین طاهری‌اصفهانی که پیش از آن تنها در اصفهان و حوزه علمیه قم شناخته شده بود، نزد اغلب کسانی کسی که در داخل و خارج از کشور، دل در گرو انقلاب اسلامی داشتند، نامی آشنا و محبوب شد. آیت‌الله طاهری‌اصفهانی، از شاگردان فهیم و پرکار آیات عظام بروجردی و امام‌خمینی بود که اگر گام در راه مبارزه علیه دستگاه وابسته پهلوی نمی‌گذاشت و وقت خویش را در اندیشه تربیت نسل جوان غیرحوزوی و سازماندهی آنان برای قوت بخشیدن به جبهه آیت‌الله خمینی، به کار نمی‌گرفت و توان خود را همچون بسیاری از حوزویان، صرف تدریس می‌کرد، به زودی در ردیف مراجع تقلید می‌ایستاد و صد البته به زندان و تبعید و رنج و گرفتاری‌های دوران مبارزه و سختی‌های فراوان پس از آن، مبتلا نمی‌شد. این ادعا، البته به معنی این نیست که ایشان خود را از امور حوزوی، به ویژه تدریس و پرورش شاگرد کنار کشیده و صرفا به مبارزه می‌پرداخت بلکه با تلاش و کوشش زیاد به تحقیق و تدریس مشغول بود.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت

سیدحسن؛ معلم ایستادگی برمدار اخلاق و عقلانیت

محسن صادقی
حقوقدان مدرس دانشگاه

نزدیک‌شدن به ایام بزرگداشت امام راحل عظیم‌الشأن(ره) موجب شده که این‌روزها بیش از سایر شخصیت‌ها، یادگار امام -البته دور از انعکاس حداقلی رسانه- محور جلسات و همایش‌ها و دیدارهایی کوچک و بزرگ باشد. از همایش تبیین شخصیت علمی امام(ره) در بروجرد که نفوذ خودسرها و انفعال مسوولان مانع برگزاری آن شد گرفته تا دیدار رییس و نمایندگان مجلس و وزرا و کارکنان وزارتخانه‌های مختلف و از فرماندهان دوران دفاع مقدس.ترجیع‌بند اکثر این سخنرانی‌ها و مواضع توصیه به ایستادگی در مقابل مشکلات و به تعبیر خودش «از کوره‌درنرفتن» در مواجهه با بداخلاقی‌ها و بی‌ادبی‌ها، حرکت بر مدار عقلانیت و توجه به مردم و اندیشه و آزادی آنهاست. ایضا تاکید بر نقش بی‌بدیل رسانه‌ها در جهت مبارزه با فقر و فساد و تبعیض و هشدار به مسوولان سیدحسن خمینی که از سال‌ها پیش بی‌تردید سنگین‌ترین و ناجوانمردانه‌ترین هجمه‌ها را با شکیبایی بی‌نظیرش خنثی کرده، در حقیقت با متجلی‌کردن اخلاق عملی، بیش از هرکس ترجمان عینی و ملموس رفتار پیامبرگونه امام(ره) را در معرض نگاه پرسشگر و نقادانه نسل حاضر -که دوران امام را ندیده‌اند- قرار داده. او این‌روزها آماده می‌شود تا مثل ۲۵سال گذشته در قامت میزبان هزاران زایر داخلی و خارجی امام(ره) پیش از سخنرانی رهبر معظم انقلاب در روز چهاردهم خرداد یک‌بار دیگر شایستگی بی‌مانندش را در سکانداری کشتی نجات‌بخش اندیشه‌های امام(ره) به تماشا بگذارد؛ سخنرانی سالانه‌ای که به‌خصوص پس از هتاکی هنجارشکنان در چهاردهم خرداد ۸۹ نگاه‌های حساس‌تری را به خود معطوف داشته. برخی شخصیت‌های سیاسی مطرح، به‌دلیل فضای اتهام‌زنی و حرمت‌شکنی سال‌های اخیر یا اصولا در صحنه نیستند یا آنکه کمتر حاضر به پذیرفتن هزینه‌های اظهارنظر می‌شوند، خمینی جوان اما، بی‌توجه به کژی‌ها، ناملایمات و نمک‌ناشناسی‌ها، ایستادگی و پایمردی با محوریت اخلاق را چونان معلمی مهذب به همگان می‌آموزد. چه آنجا که در جمع فرماندهان دفاع مقدس به نقل خاطره‌ای از امام مربوط به دوران نوجوانی‌اش پرداخت- که برای شرکت در عملیات والفجر ۱۰ به جبهه رفته بود و از مریوان با مشقت زیاد تلفنی با امام صحبت کرده بود- و البته بغض در گلو نقل خاطره را نیمه‌تمام گذاشت و چه آنجا که در جمع نمایندگان مجلس از مصایب پیامبر و اهل بیتش(ع) سخن گفت و نتیجه گرفت که پیروزی ریشه در ایستادگی توأم با عقلانیت و اخلاق دارد. چه آنجا که در جمع مردم مشتاق خمین، روایتی از استبدادستیزی خاندان امام(ره) را نقل و تاکید کرد که باید به مردم و اندیشه و آزادی آنان احترام گذاشت؛ چراکه از دل مردمی آزاد، مملکتی آباد به دست می‌آید و با تفسیر حدیث نبوی «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» تذکر داد که متولیان دین باید پیشگامان اخلاق باشند. چنین باد.

عکس: Reuters

«آمانو» به «شورای حکام» گزارش داد

تقدیر «آژانس» از همکاری ایران

شرق: «استقبال از همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» در کنار «درخواست از ایران برای پاسخگویی به سوالات دیگر آژانس» این چکیده‌ای بود از آنچه «یوکیا آمانو» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز گذشته در نشست شورای حکام خطاب به ۳۵ عضو این شورا بیان کرد. گویا همکاری‌های ایران این بار بیشتر به چشم «مدیرکل» آمده است. او ضمن «قدردانی از تهران بابت نشان‌دادن شفافیت بیشتر در مورد برنامه هسته‌ای» گفت: «من از این حقیقت که ایران به‌طور عملی به اقداماتی که برنامه‌ریزی شده بود، عمل کرده، استقبال می‌کنم.» او همچنین همکاری ایران با آژانس را «اساسی» دانست و افزود: «ما در حال تحلیل اطلاعاتی هستیم که ایران در اختیار ما قرار داده است و آژانس برآوردهای خود را در مورد نتایج تحقیقاتش در آینده و بعد از دست‌یافتن به تصویر کلی در اختیار قرار می‌دهد.» آمانو اضافه کرده که «همکاری ایران با آژانس در طول ماه‌های اخیر کمک کرده است تا آژانس درک بهتری از برنامه هسته‌ای تهران پیدا کند.»ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مذاکرات ۲۰ آبان برای انجام شش‌گام از سوی ایران به توافق رسیدند. فراهم‌شدن شرایط برای «بازدید بازرسان آژانس از معدن گچین» و «ارایه اطلاعات مربوطه و دسترسی مدیریت‌شده به رآکتور تولید آب سنگین» از جمله این شش‌گام بود. همچنین در دور بعدی مذاکرات ایران و آژانس در ۲۰ بهمن سال گذشته، هفت‌اقدام به شش‌اقدام پیشین اضافه شد. «اقدام در راستای به نتیجه‌رسانیدن رهیافت پادمان برای رآکتور اراک» و «ارایه اطلاعات و توضیحات به آژانس به منظور ارزیابی اظهاریه ایران در مورد نیاز یا کاربرد توسعه EBW (نسل جدید چاشنی‌های ایمن)» از جمله مهم‌ترین این اقدام‌ها بود. ۳۰ اردیبهشت امسال هم ایران و آژانس در تهران به مذاکره نشستند و نتیجه آن پنج‌اقدام عملی ایران بود که باید تا سوم‌شهریور امسال از سوی تهران صورت گیرد. «دسترسی مدیریت‌شده به کارگاه‌های تولید، مونتاژ و انبار روتورهای سانتریفیوژ»، «نهایی‌کردن رهیافت پادمان رآکتور تحقیقاتی ۴۰مگاواتی اراک»، «بازدید فنی از یکی از مراکز تحقیق و توسعه سانتریفیوژها»، «بررسی ادعاهای مربوط به مدل‌سازی و محاسبات نوترونی» و «تبادل اطلاعات درخصوص ادعاهای مربوط به آغازگرهای انفجاری بزرگ و ادعاها درباره انفجار قوی مربوطه در ایران» پنج‌اقدام عملی مورد اشاره در توافق ایران و آژانس بود که در بیانیه مشترک دوطرف آمد. با نگاهی به سخنان «آمانو» در نخستین جلسه مشابه پس از روی کارآمدن دولت «حسن روحانی» و مقایسه آن با سخنان روز گذشته‌اش، به طور قطع می‌توان این‌بار سخنانش در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران را «مثبت» ارزیابی کرد. او در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۹۲، در شورای حکام در مورد همکاری ایران و آژانس، گفته بود: «ایران همکاری لازم را که به ما اجازه می‌دهد درباره فقدان مواد و فعالیت‌های هسته‌ای اعلام‌نشده ابراز اطمینان کنیم، ارایه نمی‌کند. بنابراین آژانس نمی‌تواند نتیجه بگیرد همه مواد هسته‌ای در ایران برای فعالیت‌های صلح‌آمیز است.» او ادامه داد: «آژانس نتوانسته است کار قابل توجهی با ایران برای حل مسایل باقی‌مانده... در برنامه هسته‌ای را آغاز کند.» او در ادامه به آنچه «ابعاد نظامی احتمالی در برنامه هسته‌ای ایران» می‌نامد، اشاره کرد و تعامل ایران با آژانس در این مساله را «لازم و ضروری» دانست. «آمانو» در نشست‌های پیشین شورای حکام نیز سخنان مشابهی گفته بود. در نشست روز گذشته شورای حکام، «آمانو» گزارش آژانس در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران را که نزدیک به ۱۰روز پیش به‌طور غیررسمی در آژانس منتشر شده بود، رسما به اعضای شورای حکام ارایه کرد. در این گزارش بر پایبندی ایران به تعهداتش بر اساس توافق «ژنو» تاکید شده است و از عدم انحراف ایران در فعالیت‌های هسته‌ای سخن گفته شده بود. همچنین در گزارش آژانس، به پاسخ ایران به آنچه «ابعاد نظامی احتمالی ایران در برنامه هسته‌ای» خوانده شده، اشاره کرده و خواستار همکاری‌های بیشتر ایران شده است. «اقدام در جهت شفاف‌سازی بیشتر» و «اقدامات رو به جلو» از جمله واژه‌هایی هستند که در گزارش اخیر آژانس بیشتر از واژه‌هایی مانند «عدم همکاری» که در گذشته به کار می‌رفت، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این گزارش همچنین به توافق‌های صورت‌گرفته میان ایران و آژانس در سه مرحله (آبان۹۲، بهمن۹۲ و اردیبهشت۹۳) اشاره شده که ایران را پایبند به آن ارزیابی کرده است. پس از روی کارآمدن دولت یازدهم، تهران مصمم شد تا مذاکرات با آژانس را برای پاسخ به ادعاهای این نهاد بین‌المللی، به صورت جداگانه نسبت به مذاکرات ۱+۵ در دستور کار قرار دهد که نتیجه آن تغییر لحن گزارش‌های آژانس و مدیرکل آن است.

نگاه بیرون

«اژدها» نیازمند ایران

THE | DIPLOMAT

نویسنده: اچ. آکین انور . ترجمه: محمد حاجی‌محمدی

برای مدتی طولانی، سیاست خارجی اصلی کشور چین در منطقه خاورمیانه، عدم‌دخالت در مسایل داخلی دیگرکشورهای قدرتمند منطقه بود. به همین دلیل پکن توانسته بود با کشورهای خاورمیانه رابطه دوستانه و قوی داشته باشد که در مقابل سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا بعد از ۱۱سپتامبر، از خود سرسختی و مقاومت نشان می‌دادند. از این‌رو، چین اجازه نمی‌داد تا قدرت‌های خارجی در مسایل داخلی آنها وارد شوند و همین «درک مشترک» اساس حضور چین در منطقه بود. اما بهار عربی این مسیر را تغییر داد. حکومت‌های خاورمیانه، توسط نیروهای داخلی به زیر کشیده شدند و در نتیجه این تغییرات، روابط بین کشورها و الگوهای همکاری بین‌المللی در منطقه تغییر یافت. همین امر، چین را در موقعیتی دشوار و بر سر یک دوراهی قرار داد؛ پیگیری مسیر کم‌خطر و کم‌بازده قبلی، بعد از بیداری اسلامی با این تفاوت که دیگرکشورها از سیاست مشابهی با چین در مسایل داخلی پیروی نمی‌کردند؛ یا انتخاب مسیری با همکاری قطب‌های منطقه‌ای و توجه به منافع نظامی. باید دقت داشت که به‌طور کلی وابستگی به انرژی، ماهیت عملی سیاست خارجی تمامی کشورهای صنعتی را تشکیل می‌دهد و چین احتمالا بهترین نمونه از این‌دست کشورهاست. آینده سیاسی مصر نامعلوم است، عربستان‌سعودی و اسراییل بیش از حد به واشنگتن نزدیک هستند، ثبات عراق نسبی و به‌شدت شکننده است و سوریه وضعیتی پیچیده دارد. با همه این تفاسیر، چین از سال ۲۰۰۳ سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در عراق انجام داده است. به‌نحوی که تقریبا نصف فرآورده‌های نفتی این کشور را خریداری می‌کند و با عربستان همکاری نزدیکی در زمینه اکتشاف نفت و مسایل زیرساختی برقرار کرده است. همچنین چین از سال‌ها قبل، خریدار اصلی نفت ایران بوده است. با وجود همه این روابط، احتمال اینکه اسراییل، عربستان‌سعودی، عراق، مصر، اردن و سوریه به محور همکاری‌های چین در خاورمیانه تبدیل شوند، بسیار کم است، چرا که از نظر چین این کشورها یا خیلی ضعیف هستند یا اینکه به آمریکا بسیار نزدیک؛ اما دو کشور ترکیه و ایران، نامزدهای اصلی تبدیل‌شدن به متحد محوری چین در خاورمیانه هستند. پکن و تهران بعد از سخنرانی جورج دبلیو بوش در سال ۲۰۰۲ (محور شرارت) سطح همکاری‌های خود را با توجه به ظرفیت‌های تجاری و قابلیت‌های سرمایه‌گذاری چین افزایش دادند. از سویی جنگ داخلی سوریه یک ائتلاف سه‌گانه بین روسیه، چین و ایران با توجه به منافع روسیه در پایگاه دریایی طرطوس (تنها پایگاه فعال مدیترانه‌ای روسیه) به‌وجود آورده است. چین نیز به‌نوبه خود قلمرو این ارتباط سه‌گانه را گسترش داده است. انتخاب حسن روحانی به‌عنوان هفتمین رییس‌جمهوری ایران در خردادماه سال گذشته و شروع مذاکره هسته‌ای با ایران منجر به مشروعیت‌بخشی به رابطه بین‌المللی ایران و چین شده است. بر همین اساس، پکن توسعه سیاسی و ارتباط بیشتر با ایران جدید را با توجه به همکاری ایران با غرب در مساله هسته‌ای بسیار کم‌هزینه‌تر می‌بیند. چرا که با توجه به شرایط جدید ارتباط عمیق‌تر پکن و تهران، واکنش تند سیاسی قدرت‌های غربی را در پی نخواهد داشت. درحالی‌که چین، ایران را به‌عنوان محور خاورمیانه مشخص کرده است، روابط پنج‌سال اخیر چین و ترکیه می‌تواند به این بحث بینجامد که چین به‌صورت همزمان و در سکوت تلاش دارد تا زمینه‌های تبدیل‌شدن ترکیه به یکی دیگر از محورهای سیاست خاورمیانه‌ای خود را فراهم کند. روابط تجاری چین و ترکیه از یک بیلیون‌دلار در سال ۲۰۰۰ به ۵/۱۹ بیلیون‌دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده است. بهترین نمونه برای گسترش روابط چین و ترکیه در پنج سال اخیر، دیدار عبدالله گل رییس‌جمهوری ترکیه در سال ۲۰۰۹ از چین است (تنها دیدار در سطح ریاست‌جمهوری بین دو کشور در ۱۴ سال گذشته). اگرچه شورش‌ها در «سین‌کیانگ» و کشته‌شدن دو ترک یک ماه بعد باعث عکس‌العمل شدید ترکیه و در نهایت تحریم اجناس چینی شد؛ اما با امضای توافق ۲۰۱۰ در زمینه همکاری‌های اقتصادی و مشاوره‌های فنی روابط دو کشور از سر گرفته شد. هر چند موضوع «سین‌کیانگ» همچون زخمی بر روابط دو کشور است، اما با این وجود ترکیه بر علاقه خود به گسترش رابطه با چین افزوده است. در سال‌های اخیر تعداد زیادی از جوانان جاه‌طلب و بوروکرات ترکیه‌ای تحصیلات خود را در مقاطع تکمیلی در چین به انجام رساندند و در سطح وزارتخانه‌های ترکیه مشغول به کار شده‌اند. کسانی که امکان زیادی برای همکاری بین ترکیه و چین می‌بینند. نخست‌وزیر ترکیه، رجب طیب اردوغان در سخنرانی خود خطاب به سازمان همکاری‌های شانگهای به صراحت خواستار آن شد که کشورش به چین نزدیک‌تر شود. در نشست مطبوعاتی پوتین و اردوغان در جریان دیدار رسمی ۲۰۱۳، اردوغان خطاب به دوربین‌ها گفت: «اگر ما با سازمان همکاری‌های شانگهای (SCO) همکاری کنیم با اتحادیه اروپا خداحافظی خواهیم کرد.» شاید بهترین مثال از این خط‌بندی جدید انتخاب سیستم دفاع موشکی HQ-۹ چین از جانب ترکیه در مقابل نمونه‌های روسی و ناتو باشد. امری که مشاجرات سیاسی گسترده‌تری بر سر تعهدات ترکیه در قبال ناتو را به همراه داشت.

ادامه در صفحه ۶

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **دود فراوان خودروهای دودزا:** برخی از خودروهای ادارات دولتی دودزا در شهر رفت‌وآمد و هوای شهر را بیشتر آلوده می‌کنند. بجاست مسوولان راهنمایی و رانندگی خودروهایی را که سبب آلودگی و نارضایتی شهروندان می‌شوند، جمع‌آوری یا روانه مراکز معاینه فنی کنند.

ع فرقانی از تهران

● **شرکت برق:** ابتدای خیابان کیامنش منشعب از خیابان ۱۷شهریور و بالاتر از پل آهنگ، شب‌ها تاریک است. از مسوولان شرکت برق منطقه‌ای تقاضای رفع نقص فنی و روشنایی محل را داریم.

یکی از ساکنان محل

● **نان گران شد، باکیفیت نشد:** باید به کیفیت نامطلوب نان در برخی نانوایی‌ها رسیدگی شود. برخی نانوایی‌ها نان را بدون کیفیت به فروش می‌رسانند. ناگفته نماند کارگران این واحد صنفی هر روز تغییر می‌کنند.

یک مخاطب

● **سلب آسایش:** ساکنان خیابان تکیه اکبرآبادی شمالی، منشعب از بزرگراه شهید محلاتی قبل از ساخت و راه‌اندازی بزرگراه امام‌علی(ع) مشکلات فراوانی را به دلیل کارگاه‌های گوناگون تحمل می‌کردند، آیا حالا هم باید مشکلات نبود روشنایی و سلب آسایش کارگاه‌های دیگری را که در این محل راه‌اندازی شده، تحمل کنند؟

سیدمحمد علوی از تهران

● **جاده‌های روستایی تکاب را دریابید!** نبود آسفالت مناسب برخی جاده‌ها موجب بروز حوادث ناگوار رانندگی و ازبین‌رفتن جان انسان‌های بی‌گناه می‌شود. ساکنان روستاهای شهرستان تکاب از جمله چراغتپه، قینرجه و گوله گوله گویا با آسفالت جاده‌هایشان بیگانه‌اند و مجبورند مشکلات فراوانی را به‌لحاظ رفت‌وآمد تحمل کنند. کمااینکه چنانچه اهالی روستا بیمار شوند و نیاز مبرم به مراکز درمانی پیدا کنند، باید از جاده‌هایی که آسفالت مناسب ندارد، عبور کنند. ضرورت دارد مسوولان وزارت راه و ترابری و راهداری و فرمانداری تکاب برای پیشگیری از حوادث ناگوار رانندگی، به جاده‌های روستایی این منطقه هم توجه ویژه داشته باشند.

عبدالله جعفری از تکاب

● **رانندگان پرطمع:** برخی رانندگان مسافربر بیشتر از کرایه‌های تعیین‌شده از مسافران کرایه می‌گیرند. تکلیف مسافران با چنین رانندگانی چیست؟ ضرورت دارد مسوولان به اینگونه تخلف‌ها هم رسیدگی کنند.

فهیمه‌محبتی